

رهیافت راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور

علی بنیادی نایینی*، نشمین ایزدی**

چکیده

ضرورت پاسخگویی نرمش‌پذیر به اثرات فرآیندهای جهانی‌شدن بر اقتصاد شهرها و نیاز به رویارویی با مشکلات شهری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، سبب توجه به «فرهنگ» به‌عنوان ابزاری نوین در فرآیند «تجدیدحیات شهری» برای مقابله با جنبه‌های افت شهری شده است؛ اما مداخله در نواحی دچار افت شهری در ایران، اغلب بدون توجه لازم به هویت و ظرفیت‌های فرهنگی انجام شده و در موارد بسیار، حتی به تضعیف آنها منجر شده است. هدف این مقاله، پیشنهاد چارچوبی برای رویارویی یکپارچه با جنبه‌های افت شهری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی است. به این منظور، از راه رتبه‌بندی شدت افت شهری با روش آماری تحلیل عاملی، چهار محله در منطقه ۶ شهر تهران به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. پس از اثبات فرضیه معناداری ارتباط میان فرهنگ و ابعاد تجدید حیات شهری در این محله‌ها با استفاده از آماره خی‌دو، با به‌کارگیری فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، به تولید و گزینش مسیرهای عمل‌گزینه هدایتگر تجدید حیات شهری پرداخته شده است. دستاورد این مقاله، به‌کارگیری چارچوبی برای یکپارچه‌کردن فرهنگ و برنامه‌ریزی راهبردی تجدید حیات شهری است؛ به‌گونه‌ای که با تأکید بر منفعت ساکنان، به رویارویی یکپارچه با افت شهری بپردازد و ایجاد چرخه‌ای خودپایدار از راه تقویت دوسویه ابزارها و جامعه مورد برنامه‌ریزی را امکان‌پذیر سازد.

کلیدواژه‌ها: تجدید حیات؛ عرصه‌های تصمیم‌گیری؛ فرهنگ؛ افت شهری.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۲/۲۹، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۵

* استادیار، دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: Bonyadi@iust.ac.ir

** کارشناس ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

۱. مقدمه

در کشورهای بیشتر و کمتر توسعه یافته جهان، شهرها همواره در اثر فرآیندهای تغییر ساختاری، روندهای گوناگونی از تحول را تجربه می‌کنند و در صورت عدم تدبیر و به‌کارگیری به‌موقع شیوه‌های اندیشیده شده مداخله، این تغییرات، بسته به تأثیرات متفاوت خود بر ساختار فضایی شهرها، می‌توانند باعث انباشت مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی و محیطی در نواحی شهری شوند.

به‌منظور مقابله با مشکلات به‌وجودآمده در نواحی شهری که در زمان‌های مختلف، در مبانی نظری در قالب فرسودگی^۱، افت یا محرومیت شهری^۲، به آنها پرداخته شده است، شیوه‌هایی از مداخله، به‌ویژه در کشورهای بیشتر توسعه یافته به‌کار گرفته شده است. در این میان، تجدید حیات شهری^۳ با بهره‌گیری از تفکر راهبردی، دارا بودن جامعیت و یکپارچگی، از اهداف و دستاوردهای انواع پیشین مداخله فراتر رفته است [۲۰:۲].

با به‌وجودآمدن تغییرات ژرف در اقتصاد بین‌المللی و ملی کشورها در دو دهه پایانی سده بیستم میلادی و نیز لزوم تعدیل شیوه‌های مداخله در نواحی شهری بر اساس نیازهای محلی، نیاز به ابزارها و محرک‌های جدیدی برای تجدید حیات نواحی شهری پدید آمد. یکی از این ابزارها که چرخشی شتابان را در برنامه‌ریزی شهری به‌سوی خود در پی داشته است، فرهنگ است [۱۹:۳۲] که خردمایه کاربرد آن در تجدید حیات نواحی شهری، در ابعاد اقتصادی و اجتماعی گسترده شده است. بر این اساس، از دو دهه پایانی سده بیستم میلادی، بسیاری از برنامه‌های تجدید حیات شهری به‌ویژه در کشورهای اروپایی، از فرهنگ به‌عنوان عاملی تسریع‌کننده بهره گرفته‌اند و تجدید حیات شهری فرهنگ محور^۴، به‌عنوان گزینه‌ای موفق در زمینه دخالت در نواحی شهری دچار افت، مطرح شده است [۱۶:۱۴].

در کشور ایران مداخله در نواحی شهری دارای ارزش‌های فرهنگی و تاریخی، در بسیاری از موارد به‌گونه‌ای بوده است که نه تنها امکان استفاده از قوت‌های فرهنگی آنها را امکان‌پذیر نساخته؛ بلکه به تضعیف هویت این نواحی انجامیده است.

منطقه شش شهر تهران، در مرکز پایتخت ایران، با وجود دارا بودن اهمیت سیاسی، اداری و فرهنگی، دچار مشکلات برنامه‌ریزی (مشکلات قابل گشوده شدن از راه سازوکار برنامه‌ریزی شهری) با سرشت گوناگون است. به‌منظور جلوگیری از انباشت و تشدید این مشکلات، دخالت موثر سازوکار

1. Urban decay

2. Urban deprivation

3. Urban regeneration

4. Culture-led urban regeneration

برنامه‌ریزی شهری برای گشودن آنها، ضروری است. این ضرورت، به‌همراه ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی منطقه شش که به‌ویژه در محله‌های جنوبی آن تمرکز یافته‌اند، پیشنهاد چارچوبی برای کاربرد ظرفیت‌های فرهنگی در فرآیند تجدید حیات شهری در این منطقه را به‌عنوان نمونه موردی در سطح میانه و در چهار محله جنوبی آن به‌عنوان نمونه موردی در سطح خرد، امکان‌پذیر می‌سازد.

بیان پایه‌های نظری زیرکار رهیافت تجدید حیات شهری به‌طور کلی و تجدید حیات شهری فرهنگ محور به‌طور خاص. به منظور هدایت فرآیند تشریح پایه‌های نظری رهیافت مورد استفاده، شناسایی عناصر آن رهیافت به‌عنوان یک سیستم ضروری است. برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور از سه عنصر تشکیل می‌شود که دارای روابط دوسویه با یکدیگرند. این عناصر عبارت‌اند از:

- فعالیت برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور. فعالیت برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور، فعالیتی است که مسیر عمل مناسب برای هدایت فرآیند تجدید حیات شهری با به‌کارگیری ابزار فرهنگ را معرفی می‌کند. در این فعالیت، فرهنگ به‌عنوان ابزار اصلی تجدید حیات شهری در نظر گرفته می‌شود.

- فضاها و فعالیت‌ها در نواحی دچار افت و محرومیت شهری. کاربرد فرهنگ در تجدید حیات شهری، هم بر ارتقاء وضعیت کالبدی فضاها ساخته‌شده در نواحی دچار افت و محرومیت شهری موثر است و هم به تجدید حیات فعالیت‌های مسکونی، تولیدی و خدماتی جای‌گرفته در این فضاها و توسعه فردی و اجتماعی عاملین این فعالیت‌ها کمک می‌کند.

- عاملان درگیر در تجدید حیات شهری فرهنگ محور. عنصر عاملان درگیر در تجدید حیات شهری فرهنگ محور، دربرگیرنده افراد و گروه‌های مردمی، بخش رسمی (عمومی و نیمه عمومی) و بخش خصوصی است. این گروه‌ها در اشتراک با یکدیگر، در فرآیند برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری درگیر می‌شوند و از یک‌سو بر آن اثر گذاشته و از سوی دیگر تحت تأثیر پیشنهادهاى آن قرار می‌گیرند [۹:۳].

عناصر نظریه زیرکار رهیافت تجدید حیات شهری به‌طور کلی. عناصر نظریه زیرکار تجدید حیات شهری، به‌ترتیب به‌صورت زیر تشریح می‌شوند:

- مدیریت تصمیم‌ها در چارچوب فرآیند راهبردی. تجدید حیات شهری، به‌عنوان بینش و عملی یکپارچه که به‌منظور رویارویی با جنبه‌های افت شهری، برآمده از تغییرات سریع در شهرها به‌کار گرفته می‌شود، نیاز به چارچوبی دارد که با امکان‌پذیر کردن اتخاذ دیدگاهی بلندمدت و جامع، میان جنبه‌های تجدید حیات شهری پیوند ایجاد کند و امکان ایجاد اشتراک چندبخشی برای تدبیر و اجرای راه‌حل‌ها را فراهم کند. چنین چارچوبی، توسط برنامه‌ریزی راهبردی فراهم می‌شود که با ویژگی‌های خود، توان پاسخگویی به پیش‌شرط‌های به‌کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری را دارا است (جدول ۱).

جدول ۱. رویارویی پیش‌شرط‌های تجدید حیات شهری و ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر تفکر راهبردی

ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر تفکر راهبردی، پاسخگو به پیش‌شرط‌های به‌کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری	پیش‌شرط‌های به‌کارگیری تجدید حیات شهری	دسته‌بندی
تاکید بر جامعیت	اتخاذ رهیافت جامع و چندبخشی	مربوط به
جامعیت و دارا بودن توانایی ایجاد پیوند میان جنبه‌های تجدید حیات شهری	یکپارچگی جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی تجدید حیات شهری	پدیده مورد برنامه‌ریزی
ممتد بودن فرآیند	حفظ فرآیند	
اتخاذ دیدگاه بلندمدت	اتخاذ دیدگاه بلندمدت	
درب‌گرفتن سطوح سلسله‌مراتبی سیاست‌ها	ارتباط میان سطوح سیاستی	
توانایی ایجاد چارچوبی برای اشتراک بخش عمومی و خصوصی	اشتراک بخش عمومی و خصوصی	مربوط به رهیافت مورد استفاده
تاکید بر مشارکت	مهارت‌های مشارکتی میان صاحبان تخصص	
تاکید بر همراهی عواملان در مورد اطلاعات، مشکلات و راه‌حل‌ها	مهارت‌های لازم برای دستیابی به همراهی و حل کشمکش میان اجتماع‌های محلی به‌عنوان صاحبان دانش و حساسیت نسبت به مشکلات ناحیه شهری و پیامدهای عمل	

مأخذ: نگارندگان، برای استفاده در این مقاله، [بر اساس ۲۳:۷، ۵:۱۸۶، ۲۲:۷۰، ۱۵:۱، ۱۳:۴۴۵، ۱:۱۹، ۷:۲۶، ۸:۶، ۲۱:۴ و ۱۴:۶۱]

- اقدام یکپارچه برای رویارویی با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی و محیطی افت و محرومیت شهری. یک عنصر عمده از نظریه زیرکار تجدید حیات شهری، با کارکرد سیستم شهری به‌عنوان یک کل و با چهار جنبه اصلی تغییرات منجر به افت شهری شامل تغییر ساختار اقتصاد، قیود کالبدی، ترکیب اجتماعی نواحی شهری و عدم جذابیت واقعی یا ادراکی محیط نواحی شهری مرتبط است.

این چهار جنبه اصلی تغییر شهری نیاز به راه‌های یکپارچه ساختن جنبه‌های تجدید حیات شهری برای رویارویی با جنبه‌های افت و محرومیت شهری را نشان می‌دهند. یکپارچگی، یک ویژگی اصلی رهیافت تجدید حیات شهری است که آن را از کوشش‌های یک‌جانبه پیشین برای مدیریت توسعه و تغییر در نواحی شهری، متمایز می‌کند.

- مداخله بر مبنای هم‌رایی میان عاملان بخش عمومی و خصوصی، بر اساس نظریه تنظیم. تجدید حیات شهری، یک فعالیت مداخله‌گر است؛ در حالی که بسیاری از شکل‌های سنتی دخالت در تغییرات شهری، مداخلات حکومتی بوده‌اند، در شماری از کشورهای بیشتر توسعه‌یافته، مطلوبیت مداخله، به‌طور روزافزون به‌سوی هم‌رایی عمومی - خصوصی معطوف شده است.

برای توضیح و درک اهمیت ایجاد چارچوبی که در آن، شکل‌های جدیدی از کوشش جمعی بتواند توسعه یابد و به‌کار گرفته شود، از سوی مکتب تنظیم^۱ تلاش‌هایی صورت گرفته است. این نظریه، جریان‌های فکری متعددی از جمله تفکرات مارکسیستی، کینزی^۲ و پسا-کینزی^۳ را به شیوه‌ای انتقادی با یکدیگر ترکیب می‌کند. بر اساس نظریه تنظیم، هر رژیم، یک اسلوب تنظیمی را در زمان خود توسعه می‌دهد. بر این اساس، بدون حذف کامل اسلوب‌های تنظیمی، از راه کاهش دامنه فعالیت‌های دولتی، الگوهای جدیدی از روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدید آمده‌اند که در آن، عاملان درگیر در مدیریت و تجدید حیات شهری در پی تدبیر روش‌هایی برای دستیابی به هم‌رایی هستند.

1. Regulation school

2. Keynesian

3. Post-Keynes

بیان پایه‌های نظری زیرکار رهیافت تجدید حیات شهری فرهنگ محور به‌طور خاص. برای بیان پایه‌های نظری زیرکار رهیافت تجدید حیات شهری فرهنگ محور، تعریف انگاشت فرهنگ، خردمایه‌های به‌کارگیری آن در تجدید حیات شهری و مدل‌های بیان‌کننده نقش این ابزار در تجدید حیات شهری، در ارتباط با نخستین عنصر سیستم برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور، یعنی عنصر فعالیت برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور تشریح می‌شود. نقش فرهنگ در جنبه‌های تجدید حیات شهری در ارتباط با عنصر فضاها و فعالیت‌ها در نواحی دچار افت و محرومیت شهری تبیین می‌شود. سرانجام، نقش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مردم در تجدید حیات شهری فرهنگ محور در ارتباط با عنصر عاملان درگیر در تجدید حیات شهری فرهنگ محور تشریح می‌شود.

تعریف انگاشت فرهنگ. برای انگاشت فرهنگ، با معنای ویژه و علمی که از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی به خود پذیرفته، تعریف‌های گوناگونی به‌وجود آمده است. در نامدارترین تعریف فرهنگ که مبنای پیشنهاد بسیاری از تعاریف از این انگاشت قرار گرفته است، انگاشت فرهنگ به‌صورت زیر تعریف شده است:

«کلیتی مرکب شامل دانش، باورها، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر قابلیت و عادت دیگری که آدمی به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد» [۱۷:۸۱].

خردمایه‌های به‌کارگیری فرهنگ در تجدید حیات شهری. در مورد خردمایه‌های کاربرد فرهنگ به‌عنوان وسیله‌ای برای تجدید حیات نواحی دچار افت شهری، سه دسته بحث مرتبط با یکدیگر، به شرحی که در پی می‌آید، قابل تشخیص است:

- نخست استفاده از فرهنگ در فرآیند تجدید حیات شهری، تنوع اقتصادی را افزایش می‌دهد و به ایجاد اشتغال کمک می‌کند؛

- دوم به‌کارگیری ابزار فرهنگ، به ارتقاء تصویر نواحی شهری که دچار افت ساختاری هستند کمک می‌کند و اینچنین، سبب تشویق آغاز دوباره پیشرفت اقتصادی در آنها می‌شود؛

- سوم با گسترش یافتن خردمایه‌های به‌کارگیری سیاست‌های فرهنگی در تجدید حیات شهری، افزایش مشارکت در فعالیت‌ها، پیوستگی اجتماعی و افزایش کیفیت زندگی ساکنان و شاغلان در ناحیه شهری مورد نظر، خردمایه نوین استفاده از فرهنگ در تجدید حیات شهری به‌شمار می‌آید [۱۸:۲۷۱]. این خردمایه نوین که در دهه ۱۹۸۰ میلادی کمتر توجهی به آن می‌شد، بر پایه این گزاره استوار است که فعالیت‌های فرهنگی، یک نشانگر کلیدی در افزایش کیفیت زندگی هستند [۱۲:۹۶۶].

این خردمایه‌ها در ارتباط با یکدیگر، به آفرینش یک چرخه پس‌خوراندی خودپایدار^۱ می‌انجامند که در آن، بهبود در کیفیت زندگی ساکنان و شاغلان در یک شهر یا ناحیه شهری، توانمندی آنها و نیز تصویر شهر یا ناحیه شهری را ارتقاء می‌دهد و این بهبودی، بر میزان جذب انواع سرمایه قابل به‌کارگیری در تجدید حیات شهری می‌افزاید [۱۸:۲۷۱].

مدل‌های بیان‌کننده نقش فرهنگ در تجدید حیات شهری. نقش فرهنگ در فرآیند تجدید حیات شهری، می‌تواند یک عامل پیش‌برنده فرآیند، شتاب‌دهنده به آن یا دست کم، یک بازیگر کلیدی باشد. بر اساس سرشت و میزان نقش فرهنگ در برنامه‌های تجدید حیات شهری، سه مدل از آمیختن فعالیت‌های فرهنگی با فرآیند تجدید حیات شهری، دربرگیرنده مدل‌های تجدید حیات فرهنگ محور، تجدید حیات فرهنگی^۲ و تجدید حیات و فرهنگ^۳ معرفی شده‌اند که با وجود تفاوت با یکدیگر، به‌ویژه در بلندمدت، به‌طور کامل متمایز از یکدیگر نیستند.

- تجدید حیات فرهنگ محور. در مدل تجدید حیات فرهنگ محور، به فعالیت‌های فرهنگی به‌عنوان یک ابزار و عامل شتاب‌دهنده و مهم‌ترین محرک تجدید حیات نگریسته می‌شود. این فعالیت‌های فرهنگی اغلب نمودی برجسته و مورد توجه عموم دارند و از آنها به‌عنوان نشانه تجدید حیات نام برده می‌شود. این فعالیت‌ها ممکن است ساخت یا استفاده دوباره از ساختمان‌ها برای استفاده عمومی یا تجاری، یا بازیابی فضاهای باز یا معرفی پروگرامی از فعالیت‌ها باشند که برای بازگرداندن منزلت به یک مکان از آنها استفاده می‌شود. آنچه که میان مداخلات در این مدل از تجدید حیات مشترک است، ادعای نوعی یگانگی برای ایجاد تمایز و افزایش هوشیاری و هیجان در مورد کلیت فرآیند تجدید حیات شهری است.

- تجدید حیات فرهنگی. در مدل تجدید حیات فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی همراستا با دیگر فعالیت‌ها در زمینه‌های کالبدی- محیطی، اجتماعی و اقتصادی، با راهبردهای گسترده تجدید حیات شهری یکپارچه می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که فعالیت‌های فرهنگی، بر دیگر فعالیت‌ها، غلبه و امتیازی ندارند و محرک و نیروی پیش‌برنده تجدید حیات به‌شمار نمی‌آیند.

1. Self-sustaining virtuous circle

2. Cultural regeneration

3. Culture and regeneration

- تجدید حیات و فرهنگ. در مدل تجدید حیات و فرهنگ، فعالیت‌های فرهنگی در مرحله تدوین راهبردها به‌طور کامل با دیگر راهبردها یکپارچه نمی‌شوند و این عدم یکپارچگی، بیشتر به این دلیل به‌وجود می‌آید که مسئولیت‌های برآورده‌کردن نیازهای فرهنگی و مسئولیت‌های تجدید حیات شهری بر عهده یک گروه کاری مشترک نیست. در این مدل، مداخله، بیشتر در مقیاس کوچک انجام می‌شود.

ایجاد تمایز میان این سه مدل از ارتباط میان تجدید حیات شهری و فعالیت‌های فرهنگی، بدان معنا نیست که آن‌دسته از فرآیندهای تجدید حیات شهری که فاقد فعالیت‌های فرهنگی متمایز هستند، به کلی از فعالیت‌های فرهنگی بی‌بهره‌اند؛ بلکه ممکن است فرهنگ در آنها، تا سطحی ارتقاء نیافته باشد که بتواند به‌عنوان قسمتی از فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی تجدید حیات شهری به‌شمار آورده شود [۱۲:۹۶۷].

نقش فرهنگ در جنبه‌های تجدید حیات شهری. سیاست‌های فرهنگی در فرآیند تجدید حیات شهری، برای دستیابی به اهداف کالبدی و محیطی، اقتصادی، اجتماعی و نیز اهداف فرهنگی به‌کار گرفته می‌شوند؛ از این‌رو، کمک، نقش، یا اهمیت به‌کارگیری این سیاست‌ها در فرآیند تجدید حیات شهری، بر اساس همین جنبه‌ها قابل بررسی هستند.

نقش فرهنگ در جنبه کالبدی و محیطی تجدید حیات شهری، در زمینه‌های بهبود کیفیت محیط طبیعی و ساخته‌شده، مرمت و استفاده دوباره از فضاهای قدیمی و بهبود کیفیت معماری و طراحی فضاها جای می‌گیرد.

از لحاظ اقتصادی، فرهنگ به استقرار صنایع نوین، افزایش ارزش و جذابیت املاک و حفظ افراد دارای دانش و مهارت در نواحی شهری دچار افت یاری می‌رساند.

کاربرد فرهنگ در جنبه اجتماعی تجدید حیات شهری شامل اثرگذاری انواع فضاها و فعالیت‌های فرهنگی بر افزایش فرصت‌های کسب آگاهی و مهارت و ارتقاء میان‌کنش اجتماعی می‌شود.

سرانجام، فرهنگ هم بر زندگی فرهنگی یک ناحیه دچار افت شهری و هم بر فرهنگ اجتماع واقع در آن تأثیرگذار است.

نقش تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مردم در تجدید حیات شهری فرهنگ محور. در میان عاملین موثر بر تجدید حیات شهری فرهنگ محور، مردم نقشی مرکزی دارند. مردم، افزون بر تأثیرگذاری بر فرآیند تجدید حیات شهری فرهنگ محور، از آن تأثیر می‌پذیرند.

راهبردهای مصرف‌گرا که با نقش تأثیرپذیری مردم ارتباط بیشتری دارند، راهبردهای چیره در آغاز ظهور تجدید حیات شهری فرهنگ محور بودند. در پی انتقاداتی که بر این راهبردها وارد می‌شد، از جمله تقلیدی و وابسته‌شدن به عوامل بیرونی، عدم تعادل میان اهداف اقتصادی و اجتماعی و نیز به حاشیه راندن فرهنگ و هویت درونزاد بومی، توجه به راهبردهای تولیدگرا در قالب تمرکز بر فرهنگ محلی و نقش آموزش و مشارکت ساکنان محلی در فعالیتهای فرهنگی به‌ویژه فعالیت‌های محله-مینا^۱ افزایش یافت و این راهبردها در موارد بسیاری ارزش خود را هم در توسعه فرد و هم در توسعه اجتماع، در عمل نشان دادند [۶:۴۹۸].

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف این مقاله، کوشش در جهت پیشنهاد چارچوبی برای رویارویی یکپارچه با جنبه‌های افت شهری از راه بهره‌گیری بهینه از ظرفیتهای فرهنگی در بستر جغرافیایی است که نیاز و امکان به‌کارگیری این رهیافت در آن وجود داشته باشد. چنین چارچوبی با تأکید بر لزوم توجه به پیوند کاربست با پایه‌های نظری زیرکار آن و نیز با تأکید بر ضرورت در نظرگرفتن ویژگی‌های خاص هر ناحیه شهری تدوین می‌شود.

به‌منظور دستیابی به این هدف، پس از تشریح پایه‌های نظری رهیافت، به‌منظور سنجش برقراری یا عدم برقراری نظریه معرفی‌شده در محدوده مطالعاتی، فرضیه‌های زیر تدوین می‌شوند تا در مراحل بعد، با استفاده از آماره خی دو^۲، به آزمون آنها پرداخته شود و امکان یا عدم امکان به‌کارگیری این نظریه در نمونه موردی مشخص شود:

الف- به نظر می‌رسد بین کارکردهای فرهنگی منطقه و جنبه‌های کالبدی- محیطی ساختار فضایی محدوده مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد.

ب- به نظر می‌رسد بین کارکردهای فرهنگی منطقه و جنبه‌های اجتماعی ساختار فضایی بستر جغرافیایی مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود دارد.

پ- به نظر می‌رسد بین کارکردهای فرهنگی منطقه و جنبه‌های اقتصادی ساختار فضایی محدوده مطالعاتی رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهایی که برای سنجش این فرضیه‌ها وارد تحلیل آماری می‌شوند، شامل کارکردهای فرهنگی محله، کیفیت کالبدی- محیطی محله و نگهداری از آن، هویت اجتماعی محله و

1. Neighbourhood-based

2. Chi- square

میانکنش‌های اجتماعی و اقتصادی میان ساکنان هستند و اطلاعات شکل‌دهنده به آنها از طریق تکمیل پرسشنامه در محدوده فراهم می‌شوند. به این منظور ۱۳۰ پرسشنامه (بیش از ۱۱۹ پرسشنامه تعیین شده توسط روش کوکران)، به صورت نمونه‌گیری تصادفی توزیع و تکمیل شده است. اعتبار این پرسشنامه از روش سنجش اعتبار محتوا و قابلیت اعتماد آن، با به کارگیری آلفای کرونباخ (برابر ۰/۸۲) سنجیده شده است. نتایج تحلیل این پرسشنامه‌ها در مرحله استخراج مشکلات و پیشنهاد راه‌حل‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

انتخاب نمونه موردی که نیاز و قابلیت به کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری فرهنگ محور در آن وجود داشته باشد، در سه سطح کلان، میانه و خرد انجام گرفته است.

معیارهای مورد استفاده در سطح کلان، مربوط به شرایط جامعه و شامل مرکزیت اداری، اقتصادی و اجتماعی، اهمیت کارکردهای فرهنگی و دسترسی به داده‌ها و اطلاعات شهری بوده و به انتخاب شهر تهران انجامیده است.

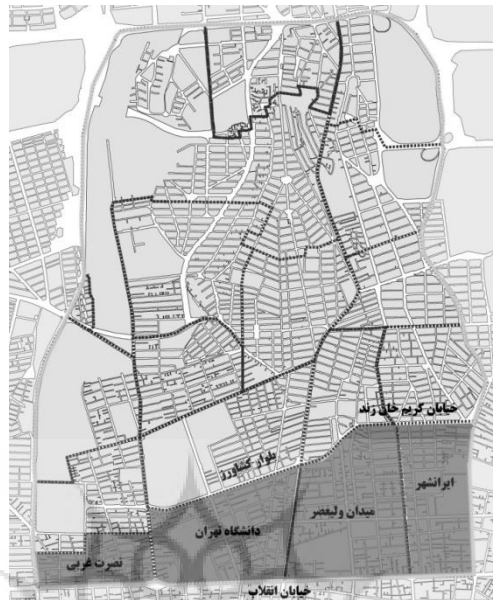
در سطح میانه، معیارها مربوط به ظرفیت‌های فرهنگی و دربرگیرنده نقش ذکرشده برای مناطق در برنامه شهری فرادست (برنامه جامع شهر تهران موسوم به طرح راهبردی- ساختاری توسعه و عمران شهر تهران)، اهمیت منطقه انتخاب‌شونده در کل شهر تهران از نظر ظرفیت‌های فرهنگی و امکان پرداختن بیشتر به جنبه اجتماعی و فرهنگی افت شهری بوده و منجر به انتخاب منطقه شش شهر تهران شده‌اند.

در سطح خرد، محله‌های دارای بیشترین میزان افت شهری با به کارگیری روش تحلیل عاملی تعیین شده‌اند. در این روش، ۶ معیار با یکدیگر ترکیب شده‌اند که عبارت‌اند از: درصد بی‌سوادی، تعداد متوسط اعضای خانوار، نفر در واحد مسکونی، درصد بیکاری، پایین بودن قیمت مسکن نسبت به متوسط منطقه، تعداد واحدهای مسکونی زیر ۷۵ متر مربع.

مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، از راه به کارگیری آزمون کایزر- مایر- اولکین سنجیده شده‌اند. مقدار این آماره برابر ۰/۵۸۴ محاسبه شده و نشان از قابل پذیرش بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی دارد. سنجش پذیرفتنی بودن همبستگی میان متغیرها با استفاده از نتایج آزمون بارتلت و خی دو انجام گرفته است. عدد اهمیت بارتلت بسیار کمتر از ۵٪ به عنوان حداکثر مقدار قابل پذیرش است. مقدار آماره خی دو نیز برابر ۱۰۶/۹۳۷ و بزرگ‌تر از عدد مذکور در جدول توزیع خی دو، به عنوان حداقل مقدار پذیرفتنی است.

نتیجه کاربرد این روش، انتخاب چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران با نام‌های ایرانشهر، میدان ولیعصر (با نام دیگر محله نجات‌اللہی)، دانشگاه تهران و نصرت غربی، به عنوان محله‌های

دارای بیشترین میزان افت شهری در منطقه شش شهر تهران بوده است که با هم، یک محله برنامه‌ریزی همگون را تشکیل می‌دهند (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه موقعیت چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران

برنامه راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در محله‌های انتخاب شده با استفاده از روش‌ها و فنون مختلف شامل: روش بلندمدت تدوین چشم‌انداز، روش استنتاج اهداف از مشکلات و فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، تدوین می‌شود.

۴. تحلیل یافته‌ها

منطقه شش شهر تهران، از شش ناحیه و هجده محله تشکیل شده است. مساحت چهار محله انتخاب شده، نزدیک به یک پنجم کل مساحت این منطقه را تشکیل می‌دهد. این سهم به‌طور تقریبی برابر سهم جمعیت محله‌های مورد نظر، از کل جمعیت منطقه شش است. ویژگی‌های اصلی ساختار فضایی محلات، میزان پاسخگویی آنها به فرضیه‌های پژوهش و سرانجام مشکلات و قوت‌های محله‌ها، زمینه‌های اصلی مورد پژوهش در مرحله تحلیل داده‌ها به‌منظور جمع‌آوری دروندادهای لازم برای ورود به مرحله ارائه پیشنهادها هستند.

ویژگی‌های اصلی ساختار فضایی محله‌های مورد بررسی. نتایج تحلیل آمارهای موجود، مشاهدات میدانی و تکمیل پرسشنامه‌ها، ویژگی‌های اصلی ساختار فضایی این محله‌ها را به شرح زیر نشان می‌دهد:

محله‌های مورد بررسی در حال از دست‌دادن جمعیت با سابقه خود و جذب جمعیت مهاجر هستند. درصد بیکاری ساکنان این محله‌ها کمتر از متوسط شهر تهران و متوسط منطقه شش است. از دیگر ویژگی‌های بارز این محله‌ها، شدت و تنوع بالای فعالیت‌های اقتصادی به سبب مرکزیت جغرافیایی این محله‌ها در شهر تهران و وجود فعالیت‌های فرامنطقه‌ای پرشمار است.

سهم کاربرد مسکونی در محله‌های جنوبی منطقه شش شهر تهران به‌طور کلی کمتر از متوسط منطقه است. دلیل این موضوع، وجود تعداد بسیار زیادی فضای غیرمسکونی فرامنطقه‌ای در این محله‌ها است. در زمینه فعالیت‌های ارتباطی، جذب سفر سواره به این فضاها فرامنطقه‌ای، به همراه حرکت عبوری، سبب افزایش شدت حرکت سواره در معابر این محله‌ها شده است.

تحلیل داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش. داده‌های استخراج‌شده از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده در محدوده مطالعاتی، از یک سو به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته و از سوی دیگر در تعیین مشکلات محله‌ها، کارکردهای فرهنگی محلات و همچنین استخراج راه‌حل مشکلات موثر بوده‌اند.

به منظور سنجش فرضیه نخست، متغیرهای فرهنگی و متغیرهای کیفیت فضاها محلات و نگهداری از اموال عمومی محله به‌عنوان نماینده ارتباط میان فرهنگ و جنبه کالبدی-محیطی ساختار فضایی وارد تحلیل آماری شده‌اند. در مورد فرضیه دوم، ارتباط میان هویت اجتماعی محله و همچنین، میانکنش اجتماعی ساکنان با متغیرهای فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. فرضیه سوم نیز با استفاده از متغیر میزان اعتماد به دیگر ساکنان محله در زمینه مشارکت‌های اقتصادی سنجیده شده است.

سنجش رابطه میان متغیرها با استفاده از آماره خی دو در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است (جدول ۲).

کمتر بودن عدد سطح معناداری نسبت به عدد ۰/۰۵ به‌عنوان حد کمینه قابل پذیرش، نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار میان کارکردهای فرهنگی با متغیرهای مربوط به جنبه‌های کالبدی-محیطی، اجتماعی و اقتصادی در محدوده مطالعاتی است؛ بنابراین، ارائه راهبردهایی به منظور استفاده از ابزار فرهنگ در جهت کاهش جنبه‌های افت شهری در نمونه موردی امکان‌پذیر است.

جدول ۲. اطلاعات آزمون خی دو در راستای سنجش فرضیه‌ها مأخذ: نگارندگان

مقدار آماره	سطح معناداری	متغیر مربوط به کارکرد فرهنگی	متغیر مربوط به هر جنبه از ساختار فضایی	جنبه‌های ساختار فضایی
۲۷/۴۲	۰/۰۳۷	میزان رویدادها و ارتباطات فرهنگی در محله	کیفیت بصری فضاها	کالبدی
۲۸/۸۶	۰/۰۲۵	دسترسی به فضاهای فرهنگی، آموزشی و فضاهای گذران اوقات فراغت	نگهداری از اموال عمومی	
۳۷/۸۴	۰/۰۰۹	سازگاری رویدادهای فرهنگی با فرهنگ ساکنان	حفظ هویت اجتماعی محله	
۲۹/۸۸	۰/۰۱۹	اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت در رویدادهای فرهنگی	سطح میانکنش با همسایگان	اجتماعی
۳۲/۲۴	۰/۰۰۹	وجود جلسات گردهمایی بین ساکنان	اعتماد به مشارکت اقتصادی با همسایگان	اقتصادی

معرفی ویژگی‌های فرهنگی چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران. تعداد، تنوع و ارزش فضاهای فرهنگی منطقه شش شهر تهران و فعالیت‌های جای گرفته در آنها که به‌ویژه در محله‌های جنوبی منطقه تمرکز یافته‌اند، این منطقه را به‌عنوان قلب فرهنگی پایتخت شناسانده است. فضاهای با ارزش در دو دسته فضاهای دارای ارزش‌های ویژه فرهنگی و تاریخی و فضاهای ارائه‌دهنده خدمات فرهنگی جای می‌گیرند و در موارد بسیاری با یکدیگر همپوشی دارند.

- فضاهای دارای ارزش‌های ویژه فرهنگی و تاریخی. فضاهای دارای ارزش‌های ویژه فرهنگی و تاریخی در محله‌های جنوبی منطقه شش در سطوح گوناگون شامل محله‌های دارای ارزش‌های تاریخی و فرهنگی، خیابان‌ها، میدان‌ها و تقاطع‌های دارای این‌گونه ارزش‌ها و سرانجام ساختمان‌های با ارزش جای می‌گیرند.

پرسش مستقیم از ساکنان محله‌های مورد نظر در مورد مهم‌ترین فضاهای دارای ارزش‌های ویژه فرهنگی و تاریخی این محله‌ها نشان می‌دهد که خیابان انقلاب در محدود دانشگاه تهران، چهارراه ولیعصر، میدان انقلاب و میدان فردوسی، به‌ترتیب دارای بیشترین ارزش فرهنگی و تاریخی از نظر ساکنان هستند.

- فضاهای ارائه‌دهنده خدمات فرهنگی. فضاهای ارائه‌دهنده خدمات فرهنگی، دربرگیرنده فضاهایی هستند که به ارائه خدمات مرتبط با فرهنگ، در معنای گسترده آن می‌پردازند. این معنای گسترده، فعالیت‌های هنری، مذهبی، آموزشی و فعالیت‌های مرتبط با سلامت را پوشش می‌دهد. بر این اساس، فضاهای ارائه‌دهنده خدمات فرهنگی، به صورت فضاهای ارائه‌دهنده خدمات فرهنگی ترکیبی، فضاهای ارائه‌دهنده خدمات هنری، فضاهای ارائه‌دهنده خدمات مذهبی، فضاهای ارائه‌دهنده خدمات آموزشی و فضاهای ارائه‌دهنده خدمات سلامت، قابل دسته‌بندی هستند. تمرکز فضاهای جای‌گرفته در دسته فضاهای ارائه‌دهنده خدمات مذهبی، خدمات هنری و خدمات آموزشی در محله‌های جنوبی منطقه شش شهر تهران قابل ملاحظه است.

شناسایی مشکلات برنامه‌ریزی در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران. شناسایی مشکلات، از فعالیت‌های اصلی زیرکار هر فرآیند ضروری برای رویارویی با مشکلات شهری است. تعیین مشکلات چهار محله جنوبی منطقه شش از راه پیمودن سه مسیر جداگانه شامل استخراج و جمع‌بندی مشکلات تعیین شده در برنامه‌های موجود (برنامه جامع شهر تهران موسوم به طرح راهبردی - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران، برنامه موسوم به طرح جامع برنامه‌های فرهنگی شهر تهران و برنامه تفصیلی منطقه شش شهر تهران)، تعیین مشکلات از راه تحلیل مستقیم ساختار فضایی و استخراج مشکلات از راه تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط ساکنان و مصاحبه‌های انجام شده با مسئولان انجام شده است. انتخاب مشکلات دارای موضوعیت از میان مشکلات استخراج شده در هر مسیر و تفکیک مشکلات از علت‌ها، به همراه دسته‌بندی مشکلات با نگاه به جنبه‌های افت شهری، بیانیه نهایی مشکلات این محله‌ها را به دست داده است (جدول ۳).

جدول ۳. بیانیه نهایی مشکلات برنامه‌ریزی چهار محله جنوبی منطقه شش مأخذ: نگارندگان

علتها	مشکلات برنامه‌ریزی	زمینه موضوعی
- افزایش کاربردهای اداری و تجاری و حضور افراد غریبه در محله‌ها - ضعف کارکرد و کم توجهی به فضاها و فعالیت‌های فرهنگی در محله‌ها	- نامنی - تضعیف هویت فرهنگی و تاریخی - کاهش حس تعلق ساکنان - کمبود میانکنش اجتماعی	ساختار اجتماعی و فرهنگی
- وجود درصدی از بیکاری میان ساکنان - عدم توسعه بخش تعاونی در محله‌ها و افزایش فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی	- ضعف توان اقتصادی برخی از ساکنان - کاهش منزلت و بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی	ساختار اقتصادی
کم توجهی مسئولان به تأمین نیازهای ساکنان به سبب فزونی شمار فضاها و غیرمسکونی فرامحله‌ای - نظارت ناکافی بر هماهنگی وضعیت بصری در ساخت و سازهای جدید - کم توجهی به اصلاح وضعیت بصری فضاها موجود	- تضعیف هویت مسکونی محله‌ها - کمبود نسبی خدمات درون محله‌ای کیفیت بصری پایین فضاها	ساختار کالبدی و محیطی
- وجود فعالیت‌های پرشمار جاذب سفرهای سواره و تحمل حرکت عبوری - وجود مشکلات کالبدی در شبکه حرکت - دفع نامناسب فاضلاب و پسماند شرکت‌ها - آلودگی صوتی و آلودگی هوا ناشی از شدت زیاد حرکت سواره در محله‌ها	- روان نبودن حرکت در شبکه حرکت - عدم سهولت و ایمنی حرکت پیاده و حرکت معلولین کیفیت پایین محیط زیست	ساختار کالبدی و محیطی
- تعدد عاملین تصمیم‌گیری و ناکافی بودن ارتباط میان آنها - حاشیه‌ای بودن فعالیت‌های متخصصین موضوعات اجتماعی و فرهنگی - اختیار قانونی ناکافی برای تصمیم‌گیرندگان سطح ناحیه و محله - شمار اندک نهادهای مردمی متمرکز بر مشکلات محله به طور خاص	عدم وجود ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری هماهنگ و کارآمد به‌ویژه در مورد فضاها و فعالیت‌های فرهنگی	ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
- همکاری ناکافی میان نهادهای تهیه‌کننده برنامه‌های تغییر و توسعه شهری و نهادهای فعال در زمینه فرهنگ - اختیار ناکافی شهرداری برای مداخله در فرآیند برنامه‌ریزی برای امور فرهنگی - ناهماهنگی برنامه‌های تهیه شده توسط نهادهای فعال در زمینه فرهنگ	کم توجهی به موضوع فرهنگ در برنامه‌های تغییر و توسعه شهری - نارسایی در اجرای تصمیم‌های مربوط به فضاها و فعالیت‌های فرهنگی - کم توجهی به ارتباط میان مداخله در تغییر و توسعه شهری و موضوع فرهنگ در وضع قوانین و مقررات - کمبود پشتیبانی مالی بخش عمومی از رویدادها و فضاها فرهنگی	ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

شناسایی قوت‌ها و فرصت‌ها در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران. شناسایی قوت‌ها و فرصت‌ها در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران به این منظور صورت می‌گیرد که بتوان در فرآیند به‌کارگیری رهیافت مورد استفاده برای رویارویی با ضعف‌ها و تهدیدهای پیش‌روی نمونه موردی، از قوت‌ها و فرصت‌های موجود بیشترین بهره را گرفت.

شناسایی قوت‌ها و فرصت‌ها در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران از راه پیمودن سه مسیر انجام شده است که عبارت‌اند از:

- جرح و تعدیل موارد بیان‌شده در برنامه‌های موجود؛
- تحلیل مستقیم ساختار فضایی؛
- تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط ساکنان و مصاحبه‌های انجام شده با مسئولان.

نتیجه پیمودن این مسیرها نشان‌دهنده برجسته‌بودن قوت‌ها و فرصت‌ها در زمینه‌های ظرفیت‌های فرهنگی، دارا بودن موقعیت جغرافیایی و سیاسی مناسب در شهر تهران و افزایش تمایل عاملین تصمیم‌گیری بخش‌های مختلف برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها است.

مهم‌ترین قوت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی شناسایی شده عبارت‌اند از:

- هویت تاریخی و فرهنگی غنی و شناخته‌شده نزد ساکنان درون و بیرون محله‌های جنوبی و کل منطقه شش؛

- تمرکز فضاهای هویت‌بخش منطقه شش در محله‌های جنوبی آن؛

- امکان تقویت فضاها و فعالیت‌های فرهنگی موجود و کاربردهای پشتیبان آنها به سبب حضور کاربردهای شاخص منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه مؤسسه‌های فرهنگی و آموزش عالی.

ارائه پیشنهادها مبتنی بر یافته‌های پژوهش در قالب طراحی و معرفی برنامه راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور. با توجه به اهمیت جنبه فرآیندی برنامه‌ریزی در رهیافت تجدید حیات شهری فرهنگ محور، در این مرحله سه فعالیت اصلی این فرآیند در محلات چهارگانه منتخب، شامل تدوین چشم‌اندازها، تدوین اهداف و تدوین راهبردها و سیاست‌ها به همراه نتایج آنها تشریح شده است.

تدوین چشم‌اندازهای برنامه‌ریزی. به‌منظور تدوین چشم‌اندازهای برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، سه مسیر استخراج و جمع‌بندی چشم‌اندازهای تدوین‌شده در برنامه‌های موجود، تدوین چشم‌اندازها بر پایه توصیف تحلیلی ساختار فضایی و تدوین چشم‌اندازها بر پایه نظرات ساکنان پیموده شده است. ترکیب نتایج این سه مسیر، چشم‌اندازهای برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران را به‌دست داده است (جدول ۴).

تدوین اهداف برنامه‌ریزی. برای تدوین اهداف برنامه‌ریزی، مسیری دوگانه پیموده شده است. در مسیر نخست، اهداف تدوین‌شده در برنامه‌های موجود استخراج و جمع‌بندی شده‌اند. در دومین مسیر، اهداف با به‌کارگیری روش استنتاج اهداف از مشکلات که در آن، مشکلات شناسایی‌شده و علل آنها، به‌صورت مستقیم مبنای تعیین اهداف قرار می‌گیرند، تدوین شده‌اند. از ترکیب نتایج این مسیرها، اهداف برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران حاصل شده‌اند (جدول ۴).

تدوین راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ریزی. پس از تدوین اهداف برنامه‌ریزی، راه‌های گزینه دستیابی به آنها تعیین می‌شود. به این منظور، نخست، راهبردها و سیاست‌های تجدید حیات شهری فرهنگ محور به‌صورت مقدماتی تدوین شده‌اند. سپس، بر پایه آنها، مسیرهای عمل‌گزینه، با به‌کارگیری فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط^۱ تولید شده‌اند. ارزش‌گذاری مسیرهای عمل تولید شده از نظر میزان دستیابی به اهداف، مسیر عمل برتر را معرفی کرده است.

تدوین راهبردها و سیاست‌های مقدماتی. در این مقاله، راهبردها و سیاست‌های مقدماتی، از سه مسیر استخراج و جمع‌بندی راهبردها و سیاست‌ها از برنامه‌های موجود، تدوین راهبردها و سیاست‌ها بر پایه شناخت ساختار فضایی و تدوین راهبردها و سیاست‌ها بر پایه نظرات ساکنان و مسئولین تدوین شده‌اند.

1. The analysis of Interconnected Decision Areas

به کارگیری فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط. فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، فنی است که می‌تواند برای روشن‌ساختن ارتباط میان تصمیم‌ها به کار گرفته شود. این فن، در وضعیت‌هایی که باید شمار زیادی از ترکیب‌های ممکن از اختیارهای جداگانه در نظر گرفته شوند، به تولید راه‌حل برای مشکلات می‌پردازد [۱۱:۱۴۹].

فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط به تصمیم‌ساز کمک می‌کند که در مواجهه با تعداد زیادی تصمیم مرتبط با یکدیگر، فضای راه‌حل‌های مناسب برای گشودن مشکل مورد نظر خود را تعریف کند.

انتخاب این فن در قیاس با دیگر فنون قابل استفاده برای تدوین راهبردها، به سبب مزایایی بوده که این فن خاص از آن برخوردار است. این مزایا عبارت‌اند از:

- امکان به کارگیری حتی در وضعیت در دسترس بودن اطلاعات اندک؛

- امکان پالایش موضوعات؛

- در نظر گرفتن سازگاری و ناسازگاری میان تصمیم‌ها؛

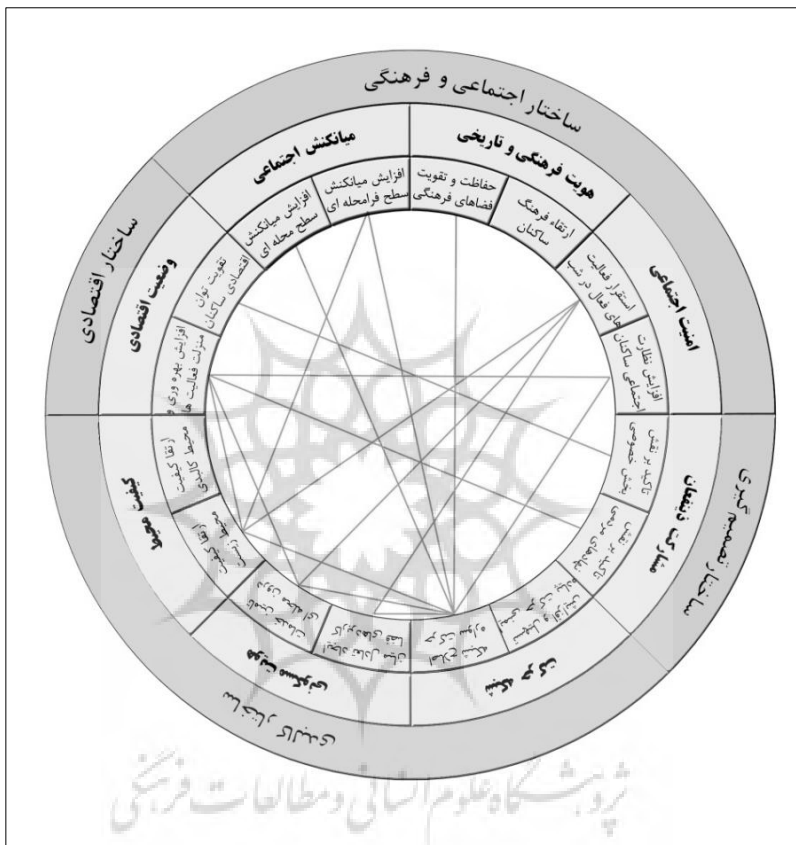
- انجام گزینه‌یابی و امکان تعیین اولویت راه‌حل‌ها.

فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، در چهار مرحله شامل تعریف عرصه‌های تصمیم، تعیین اختیارها در هر عرصه، جست‌وجوی ناسازگاری‌ها و تعیین مجموعه‌های سازگار از اختیارها به کار گرفته شده است.

تعریف عرصه‌های تصمیم. در نخستین مرحله به کارگیری فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، هشت عرصه تصمیم تعیین شده‌اند. برای تعیین عرصه‌های تصمیم، از اهداف کلان تدوین شده استفاده شده است، به این ترتیب که در ارتباط با هر هدف کلان، یک عرصه تصمیم‌گیری تعریف شده است.

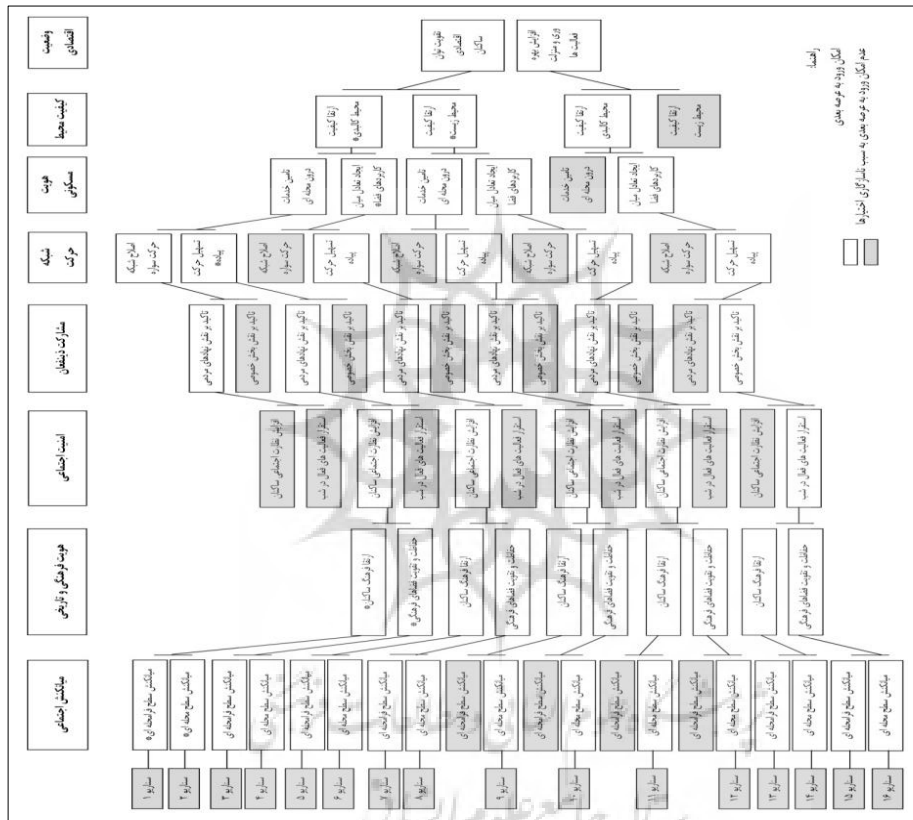
تعیین اختیارها در هر عرصه تصمیم. تعیین اختیارهای هر عرصه، با توجه به راهبردهای مقدماتی انجام گرفته است. در این راستا، راهبردهای مقدماتی که در برابر هر هدف کلان تدوین شده‌اند، به‌عنوان چارچوبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که اختیارهای عرصه مرتبط با آن هدف، در درون آن تعیین شده‌اند.

جست‌وجوی ناسازگاری‌ها. پس از تعیین عرصه‌های تصمیم و اختیارهای هر عرصه، تولید ترکیب‌های پرشماری از اختیارها ممکن می‌شود. بررسی سازگاری میان اختیارها و حذف ترکیب‌های دارای ناسازگاری می‌تواند تعداد ترکیب‌ها را محدود کند. به این منظور، پیش از تولید مسیرهای عمل گزینه، سازگاری یا ناسازگاری هر اختیار با اختیارهای عرصه‌های دیگر تعیین شده است. ناسازگاری‌ها در نموداری با نام نمودار انتخاب، به صورت خطوطی به نام میله‌های مانع نمایش داده شده‌اند (شکل ۲).



شکل ۲. نمودار انتخاب برای چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران

تعیین مجموعه‌های سازگار از اختیارها. پس از تعیین اختیارهای هر عرصه و شناسایی اختیارهای ناسازگار، تولید مسیرهای عمل گزینه، به صورت ترکیب‌هایی از اختیارهای سازگار امکان پذیر می‌شود. برای تولید سناریوهای گزینه برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، ترکیب‌های امکان پذیر متشکل از اختیارهای تعیین شده، با استفاده از نمودار درخت تصمیم تولید شده است. در این نمودار، تشکیل ترکیب‌های گوناگون از هر اختیار، تا رسیدن به اختیارهای ناسازگار، ادامه می‌یابد، تا جایی که تمامی حالات ممکن از ترکیب اختیارهای سازگار، به عنوان مسیرهای عمل گزینه تولید شوند (شکل ۳).



شکل ۳. درخت تصمیم برای چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران

ارزش‌گذاری مسیرهای عمل گزینه و انتخاب مسیر عمل برتر. انتخاب مسیر عمل برتر، نیازمند انجام قیاس میان مسیرهای عمل گزینه است. به سبب این‌که اهداف، مقصود کلی و نهایی یک برنامه هستند، بهترین مسیر عمل، می‌تواند مسیری باشد که بیشترین میزان دستیابی به اهداف تعیین‌شده را تأمین می‌کند. قیاس و انتخاب میان مسیرهای عمل گزینه برنامه‌ریزی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، با استفاده از اهداف تدوین‌شده انجام گرفته است. به این منظور، فعالیت‌های زیر انجام شده است:

- تعیین وضعیت هر اختیار از نظر تأثیرگذاری بر دستیابی به هر هدف؛
- تعیین امتیاز هر اختیار از نظر تأثیرگذاری بر دستیابی به تمام اهداف؛
- تعیین امتیاز مسیرهای عمل گزینه از نظر دستیابی به اهداف و انتخاب مسیری که بیشترین امتیاز را کسب کرده است.

معرفی برنامه راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران. برنامه راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، به‌عنوان برون‌داد نهایی کلیه مراحل پیشین، معرفی می‌شود. به این منظور، چشم‌اندازها، اهداف، راهبردها و سیاست‌های تدوین‌شده، در ارتباط و پاسخگویی به یکدیگر، معرفی می‌شوند (جدول ۴).

برنامه تدوین‌شده، هدایتگر فرآیند مداخله به‌منظور رویارویی با مشکلات برنامه‌ریزی چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی این محله‌ها، به‌عنوان ابزار اصلی مداخله است؛ به‌گونه‌ای که افزون بر در نظر گرفته‌شدن منافع ساکنان این محله‌ها، جایگاه و منزلت محله‌ها در منطقه شش و در کل شهر تهران حفظ و تقویت شود.

جدول ۴. معرفی برنامه راهبردی تجدید حیات شهری فرهنگ محور در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران مأخذ: نگارندگان

عرصه موضوعی	چشم‌اندازها	اهداف	راهبردها	سیاست‌ها
ساختار جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی	محله‌هایی برخوردار از امنیت	ارتقاء امنیت در محله‌ها	افزایش نظارت اجتماعی ساکنان	- تشویق ساکنان به حضور بیشتر در فضاهای عمومی محله‌ها - تشویق حرکت پیاده در محله‌ها
	محله‌هایی دارای هویت فرهنگی و تاریخی غنی	حفظ و ارتقاء منزلت و هویت فرهنگی و تاریخی محله‌ها	تاکید بر حفاظت و تقویت فضاهای فرهنگی	- افزایش آگاهی ساکنان در مورد وضعیت میراث فرهنگی - پشتیبانی از تشکیل و فعالیت گروه‌های مردمی فعال در زمینه میراث فرهنگی - مرمت و حفاظت میراث فرهنگی محله‌ها - ایجاد و ارتقاء محورهای پیاده فرهنگی، تفریحی و گردشگری و جلوگیری از توسعه معابر جای دهنده حرکت سواره در نواحی دارای ارزش‌های فرهنگی - بهره‌گیری از توانمندی دانشگاه‌های موجود در محله‌ها به منظور ارتقاء کیفیت خدمات و تبلیغات فضاهای ارائه دهنده خدمات فرهنگی - بهره‌گیری از حضور دانشجویان و هنرمندان برای تقویت منزلت فضاهای ارائه دهنده خدمات فرهنگی - ارتقاء کیفیت کالبدی فضاهای ارائه دهنده خدمات فرهنگی
	محله‌هایی برخوردار از انسجام و همبستگی اجتماعی	تقویت میانگنش اجتماعی	تاکید بر افزایش میانگنش سطح محله‌ای	- تقویت روابط همسایگی از راه توجه به تقویت مهارت‌های ارتباطی ساکنان در فعالیت‌های فرهنگی - تشویق ساکنان به حضور در رویدادهای فرهنگی محله از راه افزایش حجم و کیفیت تبلیغ‌ها، توجه به نیازها و سلیقه ساکنان، افزایش نوآوری و استفاده از مشارکت ساکنان - تکمیل پروژه‌های ایجاد فضاهای عمومی سطح محله به ویژه پاتوق محله‌ها - ایجاد و بهبود مبلمان شهری در فضاهای عمومی محله‌ها و افزایش زیبایی بصری این فضاها با بهره‌گیری از دانش و تجربه متخصصان و ساکنان - حفظ آرامش و حریم ساکنان محله‌ها از راه محدود کردن حرکت سواره عبوری
ساختار اقتصادی	محله‌هایی دارای جایگاه مهم اقتصادی در سطح منطقه و بالاتر	توسعه اقتصادی محله‌ها	تاکید بر تقویت توان اقتصادی ساکنان	- ایجاد سازوکار لازم برای کارآفرینی در سطح محله‌ها با یاری گروه‌های پر درآمد ساکن در منطقه - ایجاد صندوق‌های مالی مشترک میان ساکنان با همیاری نهادهای بخش عمومی سطح محله
ساختار کالبدی و محیطی	محله‌هایی دارای هویت مسکونی و	حفظ و تقویت هویت مسکونی محله‌ها	تأمین خدمات درون محله‌ای	- افزایش شمار فضاهای ارائه دهنده خدمات فرهنگی به ویژه خانه‌های فرهنگ - افزایش فعالیت و کارایی فضاهای فرهنگی موجود

<p>- افزایش شمار فضاهای ارائه دهنده خدمات ورزشی و تفریحی قابل استفاده توسط گروه‌های مختلف</p>			<p>برخوردار از خدمات و زیرساخت‌های مناسب</p>	
<p>- افزایش کیفیت کالبدی پیاده‌روها - بهبود تجهیزات و مبلمان شهری در پیاده‌روها - ایجاد شبکه‌های یکپارچه از پیاده‌روها به ویژه در نواحی دارای هویت فرهنگی و تاریخی</p>	<p>افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده</p>	<p>بهبود وضعیت شبکه حرکت</p>		
<p>- تشویق مالکان به مرمت ساختمان‌های قدیمی موجود - محدود کردن بلندمرتبه‌سازی و الزام به رعایت هماهنگی کیفیت بصری ساختمان‌های جدید به ویژه در نواحی دارای ارزش‌های فرهنگی و تاریخی - بهره‌گیری از توانمندی دانشگاه‌ها، مؤسسات هنری و هنرمندان محلی به منظور ارتقاء کیفیت بصری میدان‌ها و معابر، با استفاده از آثار هنری متناسب با هویت این فضاها - رسیدگی به پوشش گیاهی معابر - نظارت بر شمار و کیفیت تبلیغات بازرگانی بصری</p>	<p>تاکید بر ارتقاء کیفیت محیط کالبدی</p>	<p>ارتقاء کیفیت محیط</p>	<p>محله‌هایی برخوردار از آرامش و کیفیت محیطی مناسب</p>	
<p>- ارتقاء آگاهی و حساسیت مردم و نهادهای مردمی نسبت به تغییر و توسعه در محله‌ها، به ویژه در مورد فضاهای تاریخی و فرهنگی - تقویت ارتباط افراد و نهادهای مردمی با نهادهای بخش عمومی در سطح محله - افزایش اختیار نهادهای بخش عمومی سطح محله و ناحیه - تقویت ارتباط نهادهای سطح محله با سطوح بالاتر</p>	<p>تاکید بر نقش نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد تغییر و توسعه در محله‌ها به ویژه در مورد فضاهای فعالیت‌های فرهنگی</p>	<p>افزایش هماهنگی و کارآمدی ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد تغییر و توسعه در محله‌ها به ویژه در مورد فضاهای فعالیت‌های فرهنگی</p>	<p>محله‌هایی دارای مدیریت محله، گرا، هماهنگ با سطوح فرادست و مبتنی بر فرهنگ ساکنان و مشارکت آن‌ها</p>	<p>ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری</p>
<p>- آموزش تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در مورد اهمیت توجه به موضوعات فرهنگی در برنامه‌های شهری - افزایش همکاری میان نهادهای تهیه‌کننده برنامه‌های تغییر و توسعه شهری با نهادهای فعال در زمینه فرهنگ - افزایش تنوع منابع مالی نهادهای بخش عمومی سطح محله، ناحیه و منطقه</p>	<p>اختصاص فصلی جداگانه در مورد فضاها و فعالیت‌های فرهنگی در برنامه‌های شهری و تخصیص بودجه مناسب برای اجرای تصمیم‌ها</p>	<p>مورد تغییر و توسعه در محله‌ها به ویژه در مورد فضاها و فعالیت‌های فرهنگی</p>		

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با وجود افزایش روزافزون توجه به فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای به‌کارگیری در فرآیند تجدید حیات شهری در بسیاری از کشورهای بیشتر و کمتر توسعه‌یافته، در کشور ایران در بسیاری موارد، مداخله در نواحی شهری که دارای ارزش‌های ویژه فرهنگی و تاریخی هستند، بدون توجه کافی به اهمیت و ظرفیت‌های فرهنگی و هویت تاریخی این نواحی انجام گرفته و به نادیده گرفته‌شدن یا حتی مخدوش‌شدن هویت آنها انجامیده است.

منطقه شش شهر تهران، به‌ویژه محله‌های جنوبی آن با وجود دارا بودن اهمیت سیاسی، اداری، اقتصادی و فرهنگی، دچار مشکلات گوناگونی است. به‌کارگیری فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای گشودن و یا کاهش شدت این مشکلات، از یک‌سو به کاهش افت شهری در این محله‌ها یاری می‌رساند و از سوی دیگر، با توجه به این‌که منطقه شش به‌عنوان قلب فرهنگی شهر تهران شناخته می‌شود و در مرکزیت ناحیه کارکردی فرهنگی تعیین شده در برنامه جامع پایتخت کشور قرار دارد، به‌کارگیری رهیافت تجدید حیات شهری فرهنگ محور در سیستم پیچیده برنامه‌ریزی شهری در این منطقه از شهر تهران می‌تواند به‌عنوان الگویی برای حرکت به‌سوی استفاده از عناصر این رهیافت در فرآیند مداخله در دیگر نواحی شهری دارای شرایط مشابه در کشور ایران در نظر گرفته شود.

بر این اساس، چارچوب برنامه‌ریزی راهبردی تجدید حیات شهری در چهار محله جنوبی منطقه شش شهر تهران، با تکیه بر ابزار فرهنگ و با حفظ تاکید بر منفعت ساکنان پیشنهاد شده است. در فرآیند پیشنهاد این چارچوب، در مسیر حرکت به‌سوی ایجاد چرخه‌ای ممتد، متشکل از عنصر توسعه فردی و اجتماعی اعضای جامعه مورد برنامه‌ریزی، توسط ابزار فرهنگ و عنصر تقویت ظرفیت‌های فرهنگی توسط ساکنان، کوشش شده است. به این ترتیب که پیشنهادهای ارائه شده، از سویی امکان تقویت ظرفیت‌های فرهنگی نمونه موردی به‌عنوان ابزار تجدید حیات شهری را فراهم می‌کند و از سویی مبتنی بر نقش اعضاء جامعه مورد برنامه‌ریزی به‌عنوان مولد فرهنگ و تقویت‌کننده فضاها و فعالیت‌های فرهنگی هستند. به این منظور، شیوه‌های استفاده از فرهنگ برای رویارویی با مشکلات متعلق به جنبه‌های افت شهری در نمونه موردی و نواحی شهری مشابه، در قالب راهبردها و سیاست‌های فرهنگ محور و به‌صورت زیر پیشنهاد شده است:

- شیوه استفاده از فرهنگ برای رویارویی با مشکلات متعلق به جنبه اجتماعی و فرهنگی افت شهری. در تدوین راهبردها و سیاست‌ها به‌منظور رویارویی با مشکلات متعلق به جنبه اجتماعی و فرهنگی افت شهری، از امکان تقویت و بهره‌گیری از فضاها و فعالیت‌های فرهنگی، از یک‌سو، برای توسعه آگاهی و سلامت فردی و ارتقاء سرمایه انسانی، و از سوی دیگر برای افزایش میانکنش و پیوستگی اجتماعی و انباشت سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

- شیوه استفاده از فرهنگ برای رویارویی با مشکلات متعلق به جنبه اقتصادی افت شهری. به‌منظور مقابله با مشکلات متعلق به جنبه اقتصادی افت شهری، از توان تأثیرگذاری فرهنگ بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و همیاری ساکنان استفاده شده است. به این ترتیب که پیوستگی

اجتماعی میان ساکنان، مبنای همکاری ساکنان در امور مالی و تشویق گروه‌های پردرآمد محله‌ها به سرمایه‌گذاری در این زمینه قرار گرفته است.

– شیوه استفاده از فرهنگ برای رویارویی با مشکلات متعلق به جنبه کالبدی و محیطی افت شهری. با توجه به این که سهم زیادی از فضاهای موجود در نمونه موردی از نظر فرسودگی وضعیت نامناسبی ندارند، در تدوین راهبردها و سیاست‌ها، تأکید بیشتری بر جنبه‌های سطح بالای کیفیت محیط، به‌ویژه در نواحی دارای ارزش‌های خاص فرهنگی و تاریخی شده است. این راهبردها و سیاست‌ها، با تأکید بر تأمین خدمات فرهنگی درون‌محله‌ای، تشویق حرکت پیاده، ارتقاء کیفیت بصری فضاها از راه به‌کارگیری آثار هنری و رعایت هماهنگی کیفیت بصری فضاها و سرانجام، حفاظت و مرمت فضاهای قدیمی تدوین شده‌اند.



منابع

۱. دانشپور، ز (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی اختیاری راهبردی: ویژگی‌ها، تفاوت‌ها و پیش‌شرط‌ها. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۴، تهران، ۲۳-۱۴.
۲. مظفری، م. ح. و رزاقی، ح (۱۳۸۷). طرح جامع برنامه‌های فرهنگی شهر تهران. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
۳. مهندسین مشاور توسعه بوم سازگان پایدار (۱۳۸۵). طرح ساختاری- راهبردی توسعه و عمران شهر تهران. وزارت مسکن و شهرسازی- شهرداری تهران.
۴. مهندسین مشاور نقش جهان- پارس (۱۳۸۲). طرح مطالعات و بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۶ شهر تهران. نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران.
5. Andersen, J. A. (2000). Strategic Planning, Autonomous Actions and Corporate Performance. *Long Range Planning*, 33, 184° 200.
6. Bayliss, D. (2004). Ireland's Creative Development: Local Authority Strategies for Culture-led Development. *Regional Studies*, 38(7), 817° 831.
7. Bruton, M., & Nicholson, D. (1985). Strategic Land Use Planning and the British Development Plan System. *The Town Planning Review*, 56(1), 21° 41.
8. Bryson, J. M., & Einsweiler, R. C. (1987). Strategic Planning: Introduction. *Journal of the American Planning Association*, 53 (1), 6° 8.
9. Chun, Z., Bin, L. (2008). Cultural Approach to Planning of Inner City Regeneration- A Case Study of Nanluogu Alley in Beijing. 44th ISOCARP Congress.
10. Couch, C. (1990). Urban Renewal: Theory and Practice. London: Macmillan Education.
11. Dekker, F., Mastop, H., Verduijn, G., Bardie, R., & Gorter, L. (1978). A Multi-Level Application of Strategic Choice at the Sub-Regional Level. *The Town Planning Review*, 49(2), 149° 162.
12. Evans, G. (2005). Measure for Measure: Evaluating the Evidence of Culture s Contribution to Regeneration. *Urban Studies*, 42(5/6), 959° 983.
13. Fredrickson, J. W. (1984). The Comprehensiveness of Strategic Decision Processes: Extension, Observations, Future Directions. *The Academy of Management Journal*, 27(3), 445° 466.
14. Friedman, J. (2004). Strategic Spatial Planning and the Longer Range. *Planning Theory & Practice*, 5(1), 49° 67.
15. Harrison, E. F. (1995). Strategic Planning Maturities. *Management Decision*, 33, 48° 55.
16. Kearns, G., Philo, C. (1993). Selling Places: The Past as Cultural Capital Past and Present. Oxford: Pergamon.
17. Kroeber, A. L., & Kluckhohn, C. (1952). Book Review: Culture: A Critical Review of Concepts and Definitions. New York: Vintage Books.
18. McCarthy, J. (1998). Dublin s temple bar- A Case study of Culture-led Regeneration. *European Planning Studies*, 6(3), 271° 281.

19. Monclus, J., Guardia, M. (2006). Culture, Urbanism and Planning. Ashgate e-Book.
20. Roberts, P., Hugh, S. (2000). Urban Regeneration: A Handbook. London: Sage publications.
21. Rodriguez, R. M. (2009). Strategic Urban Planning: A Local Governance Tool in Response to the Complexity of the New Socio-Economic Environment.
22. Steinberg, F. (2005). Strategicurbanplanning in Latin America: Experiences of Building and Managing the Future. *Habitat International*, 29, 69-93.
23. UNEP (2004). Guidelines for Urban Regeneration in the Mediterranean Region, Priority Actions Programme. Regional Activity Centre.

